

شانزدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز رویارویی در قفقاز: ریشه‌ها، ابعاد و پیامدها

شانزدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز با عنوان «رویارویی در قفقاز: ریشه‌ها، ابعاد و پیامدها» در تاریخ ۷ و ۸ آبان ۱۳۸۷ با سخنرانی جناب آقای متکی وزیر محترم امور خارجه افتتاح شد و طی دو روز در هفت جلسه تخصصی، موضوعات مرتبط با تحولات قفقاز پس از مداخله نظامی روسیه در اوستیای جنوبی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

متن سخنرانی افتتاحیه جناب آقای متکی وزیر محترم امور خارجه بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

مهمانان گرامی، حضار محترم

ضمن خیر مقدم و ابراز خرسندی از حضور و شرکت در مجمع اندیشمندان، اساتید، مسئولین و سفرای محترم، فرصت را مغتنم شمرده، از مسئولین و دست‌اندرکاران برگزاری این همایش تشکر می‌نمایم و امیدوارم مباحث این همایش که به یکی از مهمترین موضوعات و حوزه‌های جغرافیایی اختصاص یافته است، به جمع‌بندی و ارزیابی روشنی از ریشه‌ها، ابعاد و پیامدهای رقابت و رویارویی در منطقه قفقاز و آسیب شناسی دقیق از این مساله نایل آید.

منطقه قفقاز یکی از مناطق مهم و مورد توجه راهبردی بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است که به لحاظ بافت فرهنگی و موقعیت استراتژیک از اهمیت زیادی برخوردار است. قفقاز بین دریای سیاه و دریای خزر، در جنوب فدراسیون روسیه و شمال غربی جمهوری اسلامی ایران واقع شده و محل تلاقی جهان اسلام و مسیحیت و مرز بین اروپا و آسیا تلقی می‌گردد.

علیرغم اهمیت، موقعیت ژئوپلیتیک، ظرفیت‌ها و ویژگی‌های این منطقه، قفقاز با تهدیدات و مشکلات بسیاری مواجه می‌باشد. بر این اساس یکی از مهمترین چالش‌های کشورهای این منطقه، در حوزه امنیتی است. تلاش‌های مختلف برای ایجاد ترتیبات و ساز و کارهای امنیتی لازم در این منطقه، مؤید اهمیت و جایگاه مفهوم امنیت و ثبات در روند تحولات منطقه قفقاز می‌باشد.

به اعتقاد اینجانب، در تبیین و ارزیابی ریشه‌ها، ابعاد و دورنمای رقابت و رویارویی در منطقه قفقاز بایستی مؤلفه‌های ذیل را مورد توجه جدی قرار داد:

۱. بسط و گسترش مفهوم امنیت و شمول بسیاری از حوزه‌ها در گستره این مفهوم،

۲. تلاش‌های نامنسجم برای ایجاد و استقرار ترتیبات امنیتی پایدار در سطح منطقه،

۳. تعمیق وابستگی‌های متقابل اقتصادی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی با نظرداشت موضوع انرژی و خطوط انتقال آن در منطقه و همچنین موضوع حمل و نقل و ترانزیت منطقه‌ای،

۴. تقویت نقش بازیگران غیردولتی بویژه شرکتهای فراملی،

۵. بحران‌های منطقه‌ای،

۶. مسائل فرهنگی، اجتماعی و قومی و نژادی در قفقاز،

۷. چگونگی حضور و تعامل قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در منطقه قفقاز،

۸. نقش و تاثیرگذاری تشکل‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای.

با عنایت به تأثیرگذاری مؤلفه‌های مذکور در روند تحولات و چالش‌ها، میتوان

به مسائل زیر نیز اشاره نمود:

۱. وجود بحران‌های مختلف در منطقه و تلاش این کشورها و مجامع

فرامنطقه‌ای برای مدیریت این بحران‌ها.

۲. تشدید حضور و رقابت کشورها و جریانات فرامنطقه‌ای در منطقه.

۳. مشکلات اقتصادی و پائین بودن سطح رفاه و آسایش ملل منطقه.

۴. فرآیند نظامی شدن که در میان‌مدت و درازمدت، باعث ایجاد رقابت

تسلیماتی در منطقه شده و پیامدهای جدی عدم تعادل و توازن منطقه‌ای را بدنبال خواهد داشت.

حضار گرامی

امروز جهان به مجموعه‌ای از واحدهای بهم پیوسته تبدیل شده است و این پیوستگی در سایه گسترش ارتباطات بین‌المللی همواره رو به فزونی است. از این منظر بحران در یک نقطه، دیگر نقاط جهان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بر این اساس تحولات اخیر در منطقه قفقاز، حاکی از پیوند ناگسستنی و غیر قابل تفکیک امنیت منطقه‌ای و حتی امنیت جهانی است. به همین دلیل، بازتعریف مناسبات منطقه‌ای و براساس وضعیت و نیازهای جدید در شرایط حساس کنونی، ضرورت دو چندانی یافته است. از سوی دیگر این تحولات، بیش از هر زمان دیگری نشان داده است که ناامنی و بی‌ثباتی به نفع هیچ کسی نیست و کشورهای منطقه بایستی با درایت، دوراندیشی و همکاری درون منطقه‌ای، بهانه‌ها و زمینه‌های حضور و دخالت جریان‌های فرامنطقه‌ای را از بین ببرند.

بدون تردید ثبات سیاسی قفقاز با ثبات اقتصادی آن ارتباط تنگاتنگ دارد به‌گونه‌ای که هرگونه بحران و بی‌ثباتی در این منطقه مانع از بهره‌گیری مؤثر از موقعیت جغرافیایی اقتصادی قفقاز بعنوان پل ارتباطی مناسب بین شرق و غرب و شمال و جنوب خواهد شد.

موقعیت جغرافیایی اقتصادی که حاوی و مکمل ظرفیت‌های اقتصادی، جاذبه‌های گردشگری، جریان انرژی (خط لوله گاز، نفت و خط انتقال برق) و راه‌های ارتباطی بوده و می‌تواند در توسعه و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی در منطقه قفقاز نقش اساسی ایفا نموده و عامل مؤثری برای همگرایی و همکاری‌های منطقه‌ای باشد.

مهمانان ارجمند

منطقه قفقاز به توسعه پایدار، متوازن و تحکیم اعتماد متقابل نیاز مبرم دارد. در این راستا جمهوری اسلامی ایران، گسترش روابط با همسایگان بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک، تامین ثبات، امنیت و همکاری منطقه‌ای، نفی نفوذ و مداخله بیگانگان در منطقه و تلاش در جهت کاهش و حل بحران‌های منطقه‌ای را بعنوان اولویت‌های مهم و اصلی سیاست خارجی خود در این منطقه قرار داده است. مواضع متعادل جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات اخیر و تأکید بر ضرورت حل مسالمت‌آمیز بحران در همین راستا قابل ارزیابی است.

به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی ایران امنیت ملی خود را مرتبط و در بستر امنیت منطقه‌ای جستجو و پیگیری می‌کند و در راستای همین راهبرد، معتقد است که امنیت ملی ایران از طریق برقراری صلح و ثبات و امنیت در منطقه تأمین و قوام

می‌گیرد. در این چارچوب، ایران بعنوان کشور قدرتمند همجوار با منطقه قفقاز، به نقش و مسئولیت‌های خود در حفظ و تحکیم و ارتقای صلح و امنیت در این منطقه آگاه بوده و از هیچ گونه تلاشی در این راستا دریغ نورزیده است. سوابق کمک‌ها و تلاش ایران برای حل مشکلات اقتصادی کشورهای این منطقه در اوایل استقلال، تلاش مستمر برای کمک به حل بحران‌های منطقه، کمک به بازسازی و نوسازی زیرساخت‌های اقتصادی و توسعه اقتصادی منطقه و در اختیار گذاشتن امکانات و ظرفیت‌های اقتصادی، فنی، انرژی و حمل و نقل خود، در همین راستا قابل ارزیابی است.

جمهوری اسلامی ایران اعتقاد دارد تلاش مشترک کشورهای منطقه برای کاهش زمینه‌ها، ابعاد و پیامدهای رقابت و تقابل در این منطقه حساس، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده و در این راستا تأکید می‌نماید حضور و نفوذ فزاینده جریان‌های فرامنطقه‌ای، نه تنها به حل و فصل مسایل و مشکلات در منطقه کمک نکرده بلکه بر پیچیدگی اوضاع در منطقه می‌افزاید. البته این مسأله به معنای عدم استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مثبت کشورهای فرامنطقه‌ای نیست.

بر این اساس فرصت‌ها، تهدیدات، ضرورت‌ها و الزامات متعدد موجود ایجاب می‌نماید که کشورهای منطقه، سازوکارهای مشترک و مناسبی را برای تفاهم و همکاری بر اساس منافع و امنیت دسته‌جمعی پیش‌بینی و در راستای رفع تهدیدات مشترک و بهره‌برداری مؤثر و جمعی از امکانات و ظرفیت‌های موجود در منطقه تلاش نمایند.

با درک این ضرورت و با نظر داشت اهمیت و حساسیت شرایط جاری در منطقه قفقاز، اخیراً اینجانب با مقامات و وزرای امور خارجه کشورهای روسیه، جمهوری آذربایجان، گرجستان، ارمنستان و آلمان دیدار و گفتگو نمودم. به اعتقاد ما، استمرار این رایزنی‌ها، می‌تواند به یافتن چارچوبی جهت گفتگو و مشاورت‌های مستمر پیرامون تحولات منطقه‌ای و ترتیبات امنیتی در قفقاز کمک نموده و رویکردهای همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز در منطقه را تقویت نماید.

در خاتمه، با اگتنام از فرصت، برای تمامی دست‌اندرکاران و مهمانان و مدعوین محترم در این همایش آرزوی موفقیت نموده و امیدوارم زمانی فرا برسد که حول محور همکاری و همگرایی در این منطقه و راهکارهای تحقق آن به بحث و گفتگو بنشینیم و جوّ دوستی، تشریک مساعی، همکاری و تفاهم در این منطقه جایگزین فضای رقابت و رویارویی گردد.

با تشکر

پس از سخنرانی وزیر محترم امور خارجه، جلسات همایش در هفت جلسه تخصصی برگزار گردید که مهمترین نکات مطرح شده در این جلسات به شرح زیر ارائه می‌شود.

در جلسه نخست که سخنرانان از تاجیکستان، گرجستان، روسیه، ایران، انگلستان و ترکیه حضور داشتند، ریشه‌ها و ابعاد رویارویی در قفقاز مورد بحث قرار گرفت. در این جلسه سخنرانان روس و گرجی تلاش نمودند تا هر یک ریشه و دلیل وجود جنگ را متوجه طرف دیگر نمایند.

طرف گرجی اعتقاد داشت که گرجستان نه به صورت تصادفی بلکه به صورت هدفمند از سوی روسیه انتخاب شده است زیرا روسیه بر این باور است که اگر اکنون به جنگ با گرجستان نمی‌پرداخت ممکن بود هزینه رویارویی بیشتری بپردازد و یا این که توان مقابله با آن را در آینده نداشته باشد.

متقابلاً سخنران روسیه اعتقاد داشت که ریشه‌های این درگیری به دو بخش سیاسی و ژئوپلتیک تقسیم می‌شود. در بخش سیاسی، ساکاشویلی الحاق به ناتو را بر همگرایی منطقه‌ای مقدم دانست حتی اگر حاکمیت بر قلمرو کشور را از دست دهد. از لحاظ ژئوپلتیک، این قضیه ریشه در امر انتقال انرژی از مسیر آذربایجان و آسیای مرکزی دارد. آنان به دنبال تعریف راه‌های جدید جایگزین استفاده از مسیرهای روسیه بودند. در حال حاضر احتمال اندکی برای عضویت گرجستان و اوکراین به ناتو وجود دارد.

در جلسه دوم همایش با عنوان «اهداف و سیاست‌های بازیگران اصلی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز» سخنرانان از روسیه، ایران، انگلستان، هند، صربستان و اوکراین حضور داشتند. سخنران روس ریشه تمامی تحولات در قفقاز را مسائل تاریخی و اجتماعی دانست و در این رابطه به اقدامات گرجستان علیه برخی از ملیت‌ها و اقلیت‌ها اشاره نمود.

دکتر موسوی، مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، به نقش رژیم صهیونیستی در جنگ قفقاز و همکاری نظامی این رژیم با گرجستان تا یک هفته قبل از وقوع درگیری اشاره و قطع آن را ناشی از توافق بین روسیه و اسرائیل دانسته و آن را در جهت سیاست‌های خاورمیانه‌ای روسیه ارزیابی نمود. به گفته ایشان، روسیه با پیگیری اهداف سیاست خارجی خود در خاورمیانه شرایط جدیدی را در منطقه رقم زده که برای رژیم صهیونیستی این شرایط فضای کاملاً جدیدی را به وجود می‌آورد.

سخنران انگلیسی در جلسه دوم اظهار داشت: گرجستان به خاطر مشکلات با روسیه، تصمیمات غیرحرفه‌ای می‌گیرد که باعث می‌شود در منطقه شاهد تقابل منافع

آمریکا و روسیه باشیم و این در حالی است که گرجی‌ها گزینه‌های متفاوتی برای ادامه کار ندارند. به گفته ایشان، آمریکا باید راهی برای پیشبرد ثبات قفقاز و تعمیق روابط با روسیه از طریق نهادها پیدا کند.

چهارمین سخنران از کشور هند بود و اظهار داشت: درگیری‌های منطقه قفقاز فرصت مناسب برای قدرت‌های بزرگ بوجود آورد تا نفوذ خود را در منطقه گسترش دهند. بحران قفقاز تحت تأثیر عوامل داخلی بوجود نیامده است بلکه ناشی از اعمال نفوذ قدرت‌های خارجی است و ریشه‌های آن به دوره حکومت شوروی به مناطق خود مختار قفقاز بر می‌گردد. برخی از بازیگران سخن از سیاست "مهار جدید" در منطقه می‌گویند که از سوی آمریکا مطرح شده است. این رقابت ژئوپلتیک نیست بلکه ژئواکونومیک است. از طرفی روسیه سعی می‌کند از طریق چینی‌ها مناطق حائل میان خود و آمریکا ایجاد کند. این سیاستی است که باعث نظامی شدن این منطقه شده است.

پنجمین سخنران این جلسه از صربستان بود که اظهار داشت: اگرچه انگیزه آمریکا در ایجاد این بحران، انگیزه‌های اقتصادی است اما باید به گروه‌های بنیادگرای مسیحی هم توجه کرد که سعی در نفوذ در منطقه دارند. مهمترین عامل محرک سیاست خارجی بوش عامل مذهب بوده است. حتی یک بار بوش تصریح کرد که مسیح دستوراتی را راجع به اتخاذ یک رشته سیاست‌ها به او داده است.

ششمین سخنران این جلسه از اوکراین بود و اظهار داشت: روسیه راه دیگری جز همین راهی که انتخاب کرد برای حل مشکل قفقاز نداشت. رهبران جدایی طلب چچن در گرجستان مستقر شده‌اند که این خود موضوع مهمی در روابط بین روسیه و گرجستان بود. آمریکا هم گرجستان را به عنوان سکویی مقابل ایران در نظر داشت ولی این باعث افت اعتبار جمهوری خواهان آمریکا شد و آمریکا در استفاده از گرجستان برای هدف قرار دادن ایران شکست خورد.

آخرین سخنران این جلسه از انگلستان بود و اظهار داشت: روس‌ها طرح بلند مدتی را داشتند و تلاش کردند با حمله به گرجستان کنترل منطقه اوستیای جنوبی را به دست بگیرند. ساکاشویلی رئیس جمهور گرجستان تلاش کرد تصویر روسیه را در اذهان عمومی مخدوش کند ولی روس‌ها توانستند از این قضیه بیرون بیایند.

در جلسه سوم همایش با عنوان «جمهوری اسلامی ایران و بحران قفقاز: چالش‌ها و فرصت‌ها»، سخنرانانی از آمریکا، ایران، ازبکستان و ترکیه حضور داشتند. سخنران آمریکایی پس از تشریح و تحلیل روابط ایران و روسیه، قدرتمند شدن روسیه در منطقه را برای ایران تهدید دانست. وی سپس در بیان تهدیدات و فرصت‌های مستقیم و غیرمستقیم مناقشه در قفقاز برای ایران گفت: یک روسیه قدرتمند به اتحادیه

اروپا انگیزه تأمین انرژی می‌دهد و این فرصتی برای ایران محسوب می‌شود تا انرژی اروپا را تأمین کند. ایرانی‌ها همچنین نیاز به خروج نیروهای ناتو از افغانستان و عراق دارند و می‌توانند با اروپا در این زمینه گفتگو کنند. گرجی‌ها نیز برای دفاع از خود می‌توانند در مقابل روسیه از ایران درخواست کمک کنند. امنیت استراتژیک باعث ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی و سیاسی برای ایران در تعامل با اروپا شده است.

سخنرانان ایرانی نیز در تبیین فرصت‌ها و تهدیدات مناقشه اخیر برای ایران، خواستار افزایش نقش ایران در تأمین انرژی اروپا شده‌اند. در عین حال، روابط ایران و روسیه و منافع مشترکی که دو کشور دارند به ویژه در زمینه تشکیل یک سازمان گازی، حل و فصل مسالمت‌آمیز مسأله هسته‌ای، کاهش نفوذ آمریکا در منطقه خزر، مخالفت با حضور نظامی آمریکا در منطقه غیر قابل انکار است.

در عین حال تهدید اصلی تمامیت ارضی کشورها و رقیق‌تر شدن آن در منطقه که می‌تواند مورد سوء استفاده برخی جریان‌ها در زمینه ناامنی قرار گیرد، از جمله تهدیدات علیه ایران ناشی از این جنگ است. کاهش حضور ایران در منطقه و تلاش اسرائیل برای نفوذ در قفقاز نیز از دیگر تهدیدهایی است که برای کشورمان متصور است.

سپس سخنران ازبک اظهار داشت که کشورهای آسیای مرکزی در اقتصاد آینده نقش بسیار مهمی بازی خواهند کرد و این منطقه نیازمند راهکارهای جدیدی است. وی با ذکر این نکته که کشورهای این منطقه در حال حاضر منزوی شده‌اند و باید ارتباطات دیرینه خود را بازسازی کنند و در این راستا روابط با ایران برای گسترش همکاری از لحاظ اقتصادی برای کشورهای این منطقه مفید است.

سخنران ترک به تشریح روابط ترکیه با منطقه و اهداف امنیتی ترکیه پرداخت. در جلسه چهارم همایش با عنوان «همگرایی منطقه‌ای و چشم‌انداز صلح و ثبات در قفقاز» سخنرانانی از سوئد، گرجستان، انگلستان، آمریکا و ایتالیا به ارائه مطلب پرداختند.

سخنران سوئدی ضمن انتقاد از سیاست‌های روسیه در قفقاز، فقدان یک طرح امنیتی جامع را مورد اشاره قرار داده و در این چارچوب، طرح امنیتی ترکیه را مورد نقد قرار داد و در تبیین نقایص آن گفت: ورود پنج قدرت در حل این بحران که در منطقه دارای منافع مستقیم هستند، اشتباه است. نباید فراموش کرد که همکاری درون منطقه‌ای به ثبات نیاز دارد که با وضع کنونی، ایجاد ثبات در منطقه، هدفی بلندمدت خواهد بود. اگرچه غرب نتوانسته بحران گرجستان را حل کند، اما در ایجاد تعادل

نظامی نقش مؤثری ایفا کرده است. البته از ظرفیت قدرت‌های منطقه نیز نباید غافل بود.

دومین سخنران جلسه از گرجستان بود که با تشریح تاریخ درگیری‌ها بین روسیه و گرجستان اظهار داشت: منازعه بر سر آبخازیا و اوستیای جنوبی، قبلاً یک مناقشه محلی و اکنون یک بحران بین‌المللی است.

سخنران انگلیسی دلیل اصلی وقوع بحران را فقدان امنیت در فضای پس از جنگ عنوان نمود و حاصل آن این بود که گرجستان، تلاشی بی‌وقفه برای پیوستن به ائتلاف‌های بین‌المللی در پیش گیرد. وی گفت: تنها یک دید چندجانبه با مشخصات جامعیت، فراگیر بودن و لزوم توجه به زمان و تسریع در هر گونه اقدام می‌تواند به حل بحران کمک کند.

سخنران آمریکایی ضمن تأکید بر اهمیت فرهنگی، مذهبی و تاریخی منطقه به اهمیت جغرافیایی قفقاز اشاره و بازتعریف مرزها برای تأمین امنیت منطقه را ضروری دانست. وی گفت: امنیت جنوب و شمال قفقاز ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و بازتعریف مرزها متناسب با وابستگی‌های امنیتی بسیار مهم است و دیگر نمی‌توان مانند دهه‌های پیشین با ضرب یک شمشیر امنیت منطقه را تأمین کرد و این مسأله را بیش از همه کشورها باید به روسیه گوشزد کرد.

سخنران ایتالیایی ارتقای ثبات و امنیت قفقاز را در پرتو شناسایی ظرفیت‌های منطقه و تشخیص ریشه‌های منازعات امکان پذیر دانست و آن را در سه عامل یعنی شکاف میان سیاست‌های دولت‌ها و نیازهای ملت‌های منطقه، ترکیب قومی و نژادی منطقه و نفوذ قدرت‌های خارجی به ویژه روسیه و ایالات متحده در منطقه ارزیابی نمود. وی توسعه اقتصادی منطقه، دموکراسی فراگیر و امنیت ساختاری را راهکارهای اصلی حل مسائل در منطقه دانست.

در جلسه پنجم همایش سخنرانانی از ایران، قرقیزستان، اوکراین، آلمان و ارمنستان شرکت داشتند. سخنران ایرانی اظهار داشت که بحران اخیر نقطه عطفی در سیستم بین‌الملل است زیرا ماهیت آن با ماهیت تمام بحران‌های گذشته متفاوت بود؛ هم از نظر شعارها و گفتمان‌های مطرح شده و هم به دلیل تغییری که در روابط ایالات متحده و روسیه ایجاد کرد.

منازعات در منطقه اوراسیا، اهمیت این منطقه را به عنوان یکی از کانون‌های رقابت استراتژیک گوشزد کرد. این بحران همچنین اثبات کرد ظرفیت سیاسی آمریکا برای رهبری جهان کاهش یافته است و ناتو قابلیت تنش زدایی ندارد. جدا از این

مسائل، نشان داد آمریکا از درک روابط پیچیده استراتژیک و حساس قومیت و هویت سرزمینی ناتوان است.

سپس سخنرانی از قرقیزستان ضمن انتقاد از سیاست‌های آمریکا در منطقه، یکسان‌سازی منطقه توسط آمریکا را غیرممکن دانسته و گفت زمانی طولانی لازم است تا اروپا شرایط منطقه را به درستی درک کند. وی پیشنهاد نمود که در مقابله با روند جاری در دنیا، گفتمان‌ها و ادبیات جدیدی مطرح گردد.

در ادامه، سخنرانی از اوکراین اظهار داشت: مشکلاتی که امروزه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز مشاهده می‌کنیم، غالباً ریشه‌های تاریخی دارند. از طرفی نظریات متعددی پیرامون ریشه‌های بحران اوت ۲۰۰۸ قفقاز مطرح شده که بحران را ناشی از عوامل اقتصادی، سیاسی و قومی می‌دانند. اما به نظر من، فروپاشی نظام شوروی و به دنبال آن، برقراری نظم نوین جهانی و تلاش آمریکا برای ایجاد فضایی تک قطبی و در یک کلام، جهانی شدن از مهم‌ترین عوامل بروز بحران قفقاز است.

سپس، سخنرانی از آلمان اظهار داشت: برای حل این بحران باید الگوهای جدیدی مطرح شود. اینکه وقوع این بحران سبب شد برخی از تعبیر جنگ سرد جدید استفاده کنند، نباید این احساس را در ما به وجود آورد که فکر کنیم درست همان شرایط جنگ سرد بر فضای جهان حاکم است. چرا که تفاوت‌های ایدئولوژیکی بین غرب و روسیه عامل وقوع جنگ سرد بود، در حالی که امروز این تفاوت‌ها دیگر وجود ندارد و به گفته کیسینجر، روسیه دیگر به سمت سوسیالیسم پیش نمی‌رود، لذا نمی‌توان به روسیه به چشم یک دشمن نگاه کرد.

سپس، سخنرانی از ارمنستان اظهار داشت: بحران گرجستان، جنگ ناتو و غرب با روسیه است. تلاش‌های اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر مستقل موفقیت‌آمیز نبوده است و اینکه کشورهای مقابل غرب را بلوک شرق بنامیم، به نظر من نادرست است؛ زیرا بلوک شرق وجود ندارد و آنچه وجود دارد، اتحادیه قدرت‌های شرق است که هنوز سازمان‌دهی نشده است.

در جلسه ششم سخنرانانی از روسیه، لهستان، ژاپن، ارمنستان و گرجستان به ارائه مطالب خود پرداختند. سخنران روس اظهار داشت که بحران گرجستان، نظام بین‌الملل را از حالت تک‌قطبی خارج نمود و به سوی چند قطبی بودن سوق داد. این امر، ورود دوباره روسیه را به عنوان ابر قدرتی تأثیرگذار به نظام بین‌الملل در پی داشت. در این وضعیت، تصمیمات غرب باید واقع‌بینانه و با در نظر گرفتن قدرت روسیه و نه صرفاً براساس تحلیل‌های سطحی صورت پذیرد.

وی تصریح کرد که گرجستان برای حل و فصل این مناقشه باید با روسیه وارد مذاکره شود. زیرا که عدم موفقیت غرب در میانجی‌گری نشان داد که قدرت غرب همیشه نافذ نیست و اروپا قدرتی بلامنازع نیست که همه دستوراتش مطاع باشد.

سپس، سخنرانی از لهستان اظهار داشت که در طول زمان پس از جنگ سرد، هیچ‌گاه برقراری امنیت قفقاز بر عهده اتحادیه اروپا، آمریکا و ناتو نبوده است. این بحران عواقب و پیامدهای بسیاری داشته است که از جمله می‌توان به شکاف در همگرایی و زلزله در امنیت کشورهای منطقه اشاره کرد و در این رابطه وی اظهار داشت در اثر این جنگ، پدیده چندجانبه‌گرایی بار دیگر خود را نشان داد و به کشورهای دیگر هشدار داد که فقط تهدید نظامی، امنیت منطقه را به خطر نمی‌اندازد؛ بلکه احساس تهدید نظامی نیز در کاهش امنیت منطقه مؤثر است.

در ادامه، سخنرانی از ژاپن نیز اظهار داشت که روند دموکراسی‌سازی در منطقه قفقاز با اصول و قواعد دموکراسی در نظام سرمایه‌داری متفاوت است. یک راه برای خروج از این موقعیت، تقاضای بازگشت به همان دموکراسی ناقص قبل از جنگ بود.

سپس، سخنران ارمنی اظهار داشت: وقوع این بحران، ضربه مهلکی به تمام تئوری‌های پیمان دوستی و همکاری در منطقه وارد آورد. از دیگر آثار نامساعد این بحران می‌توان به ایجاد ناامنی در منطقه قفقاز به عنوان راه مهم ترانزیتی منطقه اشاره کرد و راه‌حل این تنش در درجه اول، تغییر پایه‌های تفکر کشورهای منطقه در مورد استقلال این ناحیه است. وی ضمن انتقاد از طرح ترکیه، حضور نیروی نظامی در منطقه را باعث از میان رفتن ثبات دانست.

سخنران گرجی با متفاوت دانستن منازعه و جنگ و ارائه تعریف جداگانه برای این دو مفهوم، اظهار داشت: واقعه هشتم اوت سبب شد گرجستان به طور جدی هدف اقدامات روسیه قرار گیرد. وی گسترش بی‌اعتمادی در منطقه و روشن شدن سیاست‌های اعمالی روسیه و متضاد بودن آن با سیاست‌های اعلامی را از مهمترین پیامدهای بحران قفقاز دانست.

جلسه هفتم همایش به موضوع امنیت انرژی و سیاست خطوط لوله پس از مناقشه قفقاز اختصاص داشت و در آن سخنرانانی از آلمان، روسیه، دانمارک و ایران به بیان نظرات خود پرداختند. سخنران آلمانی کاهش وابستگی انرژی اتحادیه اروپا به روسیه را یکی از سیاست‌های مهم اتحادیه دانست و گفت: خرید گاز از حوزه‌های دیگر گازی، بعد از این بحران بااهمیت‌تر شده که در صورت عملی شدن این سیاست‌ها، بازار اروپایی روسیه از میان خواهد رفت و با ادامه بحران، روسیه از لحاظ سیاسی منزوی خواهد شد.

سخنران روس به تشریح همکاری‌های روسیه و آذربایجان در حوزه انرژی پرداخت و گفت: از ابتدای بحران آبخازیا و اوستیای جنوبی به آذربایجان ثابت شد که روسیه می‌تواند بهترین و تأثیرگذارترین شریک او در زمینه انرژی باشد، چرا که با وجود وقوع این بحران هیچ خللی در قراردادهای انرژی آذربایجان ایجاد نشد. سخنرانان ایرانی معتقد بودند که بحران گرجستان چندان تأثیری بر مسائل نفتی ایران نداشت، اما مسأله گاز ایران را تحت‌الشعاع قرار داد. ایران به دلیل برخورداری از منابع گازی بسیار در منطقه می‌تواند در این بحران تأثیرگذار باشد. تنش‌های اخیر گرجستان پویایی و پتانسیل‌های تأمین انرژی را در جهان تغییر داده است لذا ما امروز به متنوع سازی منابع نیاز داریم تا دیگر بحران‌هایی از این دست، امنیت انرژی ما را به خطر نیندازد.

در حال حاضر مسیر انتقال انرژی از شرق به غرب است، اما باتوجه به بحران اخیر به نظر می‌رسد باید این مسیر از شمال به جنوب تغییر جهت دهد، برای این منظور کریدور ایران گزینه مناسبی است. اما باید توجه داشت با نظر به اختلافات ایران و اروپا، تدوین یک برنامه سیاسی جامع برای تأمین خواسته‌های طرفین ضروری است. سخنران دانمارکی معتقد بود که در حال حاضر نفت منطقه مشکل خاصی ندارد و مسیرهای حمل و نقل دریایی و خط لوله‌ها به کار خود ادامه می‌دهند. البته نباید از نظر دور داشت که حضور نیروهای نظامی در منطقه به ویژه کشتی‌های نظامی محیط را بسیار شکننده کرده است. همه این موارد، کارشناسان را به فکر مناطق دیگر دارای منابع انرژی انداخته است.

پس از خاتمه جلسات تخصصی، جلسه اختتامیه به ریاست آقای دکتر سید رسول موسوی و با سخنرانی جناب آقای شیخ‌الاسلام قائم مقام وزیر و سرپرست حوزه خاورمیانه و مشترک‌المنافع برگزار گردید. ایشان در سخنانی اظهار داشت:

طرح همکاری منطقه‌ای و ایجاد ترتیبات امنیتی بر مبنای ظرفیت‌ها و منافع مشترک کشورهای منطقه می‌تواند به میزان زیادی مشکلات منطقه را برطرف نموده و زمینه همگرایی هر چه بیشتر سیاسی و اقتصادی میان کشورهای منطقه را فراهم نماید. وجود بحران‌های مختلف در این منطقه نبایستی محملی برای توسعه رقابت‌ها و اقدامات تنش‌زا در جهت گسترش بحران باشد زیرا تشدید این رقابت‌ها در کنار سایر مسایل و مشکلات منطقه می‌تواند پیامدهای جدی برای صلح و امنیت منطقه‌ای و حتی بین‌المللی در بر داشته باشد.

ایشان همچنین اظهار داشت: انتقال انرژی از منطقه نیازمند محیطی آرام و دور از تنش است. بحران اخیر نشان داد که عدم توجه به واقعیت‌های ژئوپلتیکی و تلاش

برای سیاسی کردن پدیده‌های اقتصادی نمی‌تواند مشکلات سیاسی را حل کند. از سوی دیگر، بهره‌گیری از دیگر ظرفیت‌های منطقه‌ای در انتقال انرژی به ویژه مسیر امن و مقرون به صرفه ایران نکته‌ای بود که مورد اشاره و تأکید سخنرانان محترم قرار گرفت. غفلت از این ظرفیت و نادیده گرفتن آن تنها می‌تواند توسعه اقتصادی منطقه را با تأخیر مواجه نماید.

منوچهر مرادی - مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز